

آموزش با سریال how I met your mother

جلسه بیست و هفتم - مدرس: علیرضا صادقیان



I know it sounds lame

میدونم باورش سخته

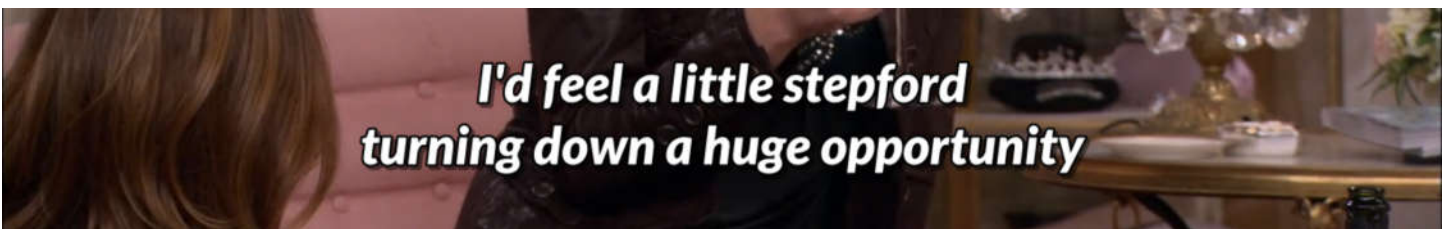
کلمه lame به معنای باور نکردنی یا غیرقابل قبول. البته معنی لنگ هم میده. پای لنگ مثلا...

lame excuses

بهانه های باور نکردنی

his left leg is lame

پای چپ او لنگ است.



I'd feel a little **Stepford** turning down a huge opportunity

یکم احساس حقارت میکنم اگه فرصت به این خوبی رو از رد کنم.

واژه استیپورد از رمان همسران استیپورد اومده که تو این رمان زن ها مثل ربات برای شوهرشون هستند و هرچی که اونا میگن انجام میدن.

Stopford: blandly conformist and submissive. **A Stepford employee**

کلمه **turn down** به معنی رد کردن و یا نپذیرفتن یک درخواست یا دعوت.

Turn down: to refuse an offer or request. **He turned down a job at a bank.**



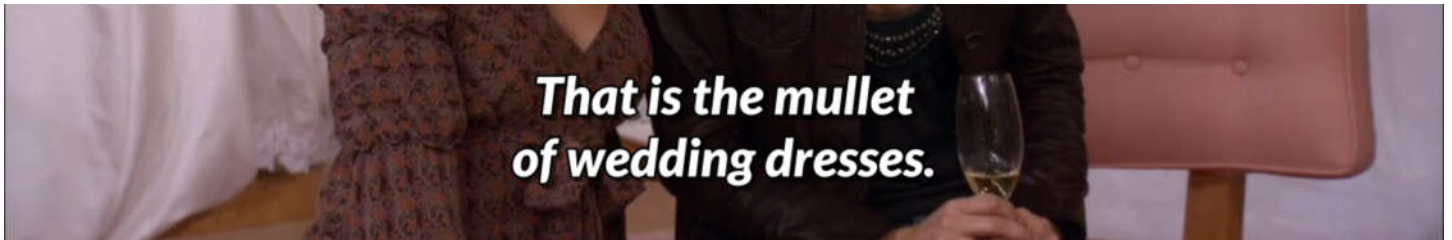
I would let them **bread** my schnitzel any day

اجازه میدم شینسل منو هرروز آرد سوخاری بززن(هرروز باهاشون سکس میکنم)

کلمه **bread** به معنی نان اما در نقش فعل معنیش میشه آرد سوخاری زدن به غذا. مثلا:

Bread the fish and place it in the pan.

به ماهی آرد سوخاری بززن و بندازش تو ماهیتابه.



That is the mullet of wedding dresses

شاه ماهی لباس عروسه(به قول خودمون گل سرسبده)



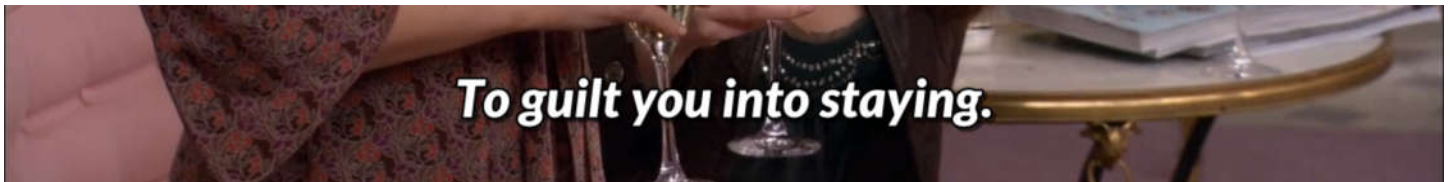
The only thing that got me through

Get someone through: to make it possible for that person to deal successfully with a difficult or painful experience, and come to the end of it.



Was knowing that soul mate was back at home waiting for me

این بود که میدونستم نیمه گمشده ام خونه منتظرمه



Maybe he's using an adorable kitty to **guilt you into staying**

شاید میخواد از یه بچه گربه بانمک استفاده کنه که تو احساس گناه کنی و بمونی

Guilt somebody into something: to make someone feel guilty, so they will do what you want

Her parents **guilted her into** not going to the concert.



Hustle Victoria out of the country

بزور میخوای ویکتوریا رو از کشور بندازی بیرون

Hustle: to push roughly, esp. so as to hurry (someone).



This dress is totally going to get me laid on my wedding night.

This dress is totally going to **get me laid** on my wedding night

این لباس قطعا باعث میشه شب عروسیم سکس داشته باشم

Get laid: Very informal. **To have sex:** He just wanted to get laid.



Well, I'm always putting my career



Ahead of my relationships, and... To be honest,

I always **put my career ahead of my relationships**

من همیشه شغلم نسبت به روابطم در اولویت قرار داره

I put my family ahead of my career

خونوادم رو نسبت به کارم ترجیح میدم